

## پیشینه ادعاهای مهدویت، نسخ اسلام و الوهیت سران باییت در جریان‌های حروفیه و نقطویه

محمد علی پرهیزگار<sup>۱</sup>

### چکیده

«علی محمد شیرازی» از جمله مدعیان باییت و مهدویت است که از نسخ شریعت اسلام، آوردن کتاب جدید و الوهیت خود سخن می‌گوید و چنین می‌نماید که آیینش بدیع و تازه است؛ لیکن بر اساس شواهد موجود، در بسیاری از ادعاهایش از جریان‌های «حروفیه» و «نقطویه» الگو گرفته است.

این نوشتار با بررسی ادعاهای مهدویت، نسخ اسلام، کتاب‌آوری و الوهیت سران باییت؛ به پیشینه‌شناسی این دعاوی پرداخته و برای مخاطب روشن می‌سازد که این گونه ادعاها در آثار سران جریان‌های حروفیه و نقطویه سابقه دارد و در حقیقت ادعای به‌ظاهر تازه سران باییت، بازگوی سخنان کهنه این دو جریان است که این دو جریان، قرن‌ها پیش از باییان می‌زیستند.

واژگان کلیدی: باییت، مهدویت، نسخ اسلام، الوهیت، حروفیه، نقطویه، علی محمد شیرازی.

## مقدمه

«باییت» فرقه‌ای است که با ادعای علی محمد شیرازی پدید آمد. وی از مدعیان معاصر مهدویت است که ادعاهای بسیاری همچون ذکریت، باییت، مهدویت، نبوت و الوهیت را در کارنامه خود دارد. او با وعده ظهور شخصی با عنوان «من یظهره الله»، سبب پیدایش بهائیت شد.

این نوشتار بر آن است که پیشینه ادعاهای باییت، مهدویت و نسخ اسلام سران باییت را در جریان‌های حروفیه و نقطویه بررسی کند؛ زیرا آنان مدعی بداعت و نوآوری هستند؛ لیکن شواهد بسیاری وجود دارد مبنی بر این که سران باییت از جریان‌های حروفیه و نقطویه الگوسازی کرده‌اند. به عنوان مؤید می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

«دانشنامه جهان اسلام» گرایش نقطویان به باییت و در واقع یاری‌رساندن به علی محمد شیرازی در دین‌سازی را نقل می‌کند (رضازاده لنگرودی، ۱۳۷۹: ۶۵۲). صاحب «حروفیه» نیز از قرائن الگوگیری باییت از حروفیه و نقطویه پرده برمی‌دارد (خیایوی، ۱۳۷۹: ۲۱). مقاله حاضر به پیشینه برخی ادعاهای باییت، مهدویت، نسخ اسلام (با تأکید بر فتنه بدشت) و الوهیت سران باییت پرداخته و با بیان شواهدی از تشابه‌ها، تجانس‌ها و اقدامات همسان، سابقه آنان را در بعضی جریان‌های حروفیه و نقطویه جست‌وجو می‌کند تا برای مخاطب روشن شود که پیش از باییت نیز جریان‌هایی بودند که چنین ادعاهایی را مطرح کرده و در نتیجه از بدنه تشیع جدا شدند.

### ۱. ادعاهای مهدویت

ادعاهای «مهدویت» علی محمد شیرازی به جریان‌های حروفیه و نقطویه شباهت بسیاری دارد. از این‌رو، در این نوشتار به بررسی و تبیین دیرینه این ادعای او در جریان‌های حروفیه و نقطویه می‌پردازیم:

## تصریح در ادعا

علی محمد شیرازی در سال ۱۲۶۱ قمری با نوشتن رساله «خصائل سبعة» و رساندن آن به دست ملاصادق خراسانی، از ادعای بابت خود پرده برمی‌دارد. وی در این نامه، از وجوب افزودن جمله «اشهد أن علیاً قبل نبیل<sup>۱</sup> باب بقیه الله»<sup>۲</sup> به اذان نماز جمعه سخن می‌گوید (اشراق خاوری، ۱۹۹۱: ۱۳۰)، که گویای اعلام عمومی ادعای بابت است. او در سال ۱۲۶۴ قمری ادعای مهدویت و قائمیت خود را آشکار ساخت و در میان علمای تبریز گفت:

من همان قائم موعودی هستم که هزار سال است منتظر ظهور او هستید و چون اسم او را می‌شنوید، از جای خود قیام می‌کنید و مشتاق لقای او هستید و عجل الله فرجه بر زبان می‌رانید. به راستی می‌گویم: بر اهل شرق و غرب اطاعت من واجب است! (همان: ۲۸۳ و میرزا جانی کاشانی، ۱۳۲۸: ۱۳۵).

وی ادعای بابت امام زمان علیه السلام را که پیش از آن به تصریح ادعا کرده بود؛ به بابت علم الاهی تأویل کرد (حسینی طباطبائی، ۱۳۸۶: ۱۷ - ۱۸). او در جای دیگر از مخاطبان می‌خواهد در اذان به مهدویت او شهادت دهند: «نام مرا در اذان و اقامه داخل کنید و بگویید: اشهد ان علی محمد بقیه الله» (اشراق خاوری، ۱۹۹۱: ۱۲۲). وی در الواح خود با کاربست واژه «مهدی»، آشکارا از مهدویت خود سخن می‌گوید: «فانی أنا المهدی» و در نامه ادعایی به شهاب الدین آلوسی<sup>۳</sup> خود را «مهدی موعود» می‌خواند: «و اینی أنا المهدی» (بلاغی، ۱۳۸۱: ۵۲).

او هنگام خروج از شیراز، بشرویه را احضار کرده، به او دستور می‌دهد به میان مردم برود با طرح مسئله تبلیغ، آنان را برای شورش آماده سازد:

۱. نبیل به حساب ابجد با لفظ «محمد» برابر است. از این رو، مراد از «علیاً قبل النبیل»، علی محمد است.
۲. این عبارت را علی محمد فیضی چنین آورده است: «اشهد ان علیاً قبل محمد عبد بقیه الله» (فیضی، ۱۹۸۷: ۱۵۳).
۳. وی از سلفی‌های متعصب ضد شیعه است. تفسیر روح المعانی و اقوال خاص وی در آن معروف است (زرکلی، ۱۹۹۰، ج ۷: ۱۷۶).

صبح هدایت در نهایت روشنی دمیده و حضرت موعود آشکار گشته؛ ای امت‌های روی زمین! راه ورود موعود را آماده و مهیا سازید و خود را از فضل و احسانش بی‌نصیب نکنید! ( اشراق خاوری، ۱۹۹۱: ۶۸).

پیش از علی محمد شیرازی نیز گزارش‌های فراوانی از ادعاهای مهدویت در جریان‌های حروفیه و نقطویه رسیده است که موارد ذیل چند نمونه از آنها است:

#### أ) حروفیه

فضل‌الله نعیمی استرآبادی (سرکرده جریان حروفیه) از مدعیان مهدویت است که آشکارا خود را دوازدهمین امام شیعه می‌دانست و در نامه‌ای که شاه اوئیس به امیر ولی<sup>۱</sup> فرستاده، از قول فضل‌الله چنین شاهد می‌آورد: «بسم الله الرحمن الرحيم، انی رأیت احد عشر وجوداً و نفساً شریفاً و من دوازدهم ایشان» (الشیبی، ۱۳۸۰: ۲۲۴).

ممکن است دستور افزودن جملاتی به اذان که دال بر بابت یا مهدویت علی محمد شیرازی است؛ برگرفته از جمله «اشهد ان لا اله الا فضل الله» (ثبوت، ۱۳۸۸، ج ۱۳: ۸۶) باشد که حروفیان در اذان خود می‌گفتند.

#### ب) نقطویه

بر اساس گزارش‌های موجود، محمود پسیخانی نیز از جمله مدعیان مهدویت است. مشکور در گزارش فرقه «پسیخانیه» (نقطویه) می‌نویسد:

محمود پسیخانی مانند فضل‌الله استرآبادی خود را مهدی موعودی می‌خواند که پیغمبر اسلام ﷺ به آمدن وی مژده داده است (مشکور، ۱۳۷۵: ۱۱۷ و اسفندیاری، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۷۵).

#### اقدامات همسان مدعیان

علی محمد شیرازی در دوره شش ساله ادعاهای خود، اقداماتی کرد که نمونه‌های مشابهی از آنها در تاریخ حروفیه و نقطویه مشاهده می‌شود. برای نمونه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. ممکن است شیخ ولی، رئیس قبیله اوس باشد (الشیبی، ۱۳۸۰: ۲۲۴).

## ادعاهای پی‌درپی

علی‌محمد شیرازی در فاصله میان سال‌های ۱۲۶۰ تا ۱۲۶۶ قمری جایگاه‌های گوناگونی همچون بابیت، مهدویت، نبوت، مظهریت و الوهیت را ادعا کرد که این گونه ادعاها در جریان‌های حروفیه و نقطویه سابقه دارد. وی در توجیه ادعاهای خود می‌نویسد:

نظر کن در فضل حضرت منتظر که چقدر رحمت خود را در حق مسلمین واسع فرمود تا آن‌ها که آن‌ها را نجات دهد. مقامی که اول خلق است و مظهر آنی انا الله و گونه خود را به اسم بابیت قائم آل محمد ظاهر فرموده و با احکام قرآن در کتاب اول حکم فرمود تا آن‌ها که مردم مضطرب نشوند از کتاب جدید و امر جدید و مشاهده کنند که این امر مشابه است با خود ایشان لعل محتجب نشوند و از آنچه برای آن خلق شده‌اند، غافل نمایند (شیرازی، بی‌تا: ۲۹).

نویسندگان بهایی نیز با الگوگیری از توجیه علی‌محمد شیرازی، درباره تعدد ادعاهای وی می‌نویسند: «علی‌محمد شیرازی در چند مرتبه ادعاهای خویش را تغییر می‌دهد و دلیل آن را هم جلوگیری از هرج و مرج و تشنج معرفی می‌نماید» (اسلمنت، ۱۹۸۸: ۲۲).

لازم است در کنار این توجیها، به سیره پیامبران الهی نیز توجه کنیم. آنان نه‌تنها از الوهیت و ربوبیت سخن نگفته‌اند، بلکه پیش از عنوان رسالت، خود را بنده خدا خوانده‌اند. پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله به پیروان خود نیز می‌آموزد که او را پیش از رسول بودن، بنده خدا بدانند: «اشهد ان محمداً عبده و رسوله». بر پایه این آموزه نبوی است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لا ترفعونی فوق حقّی» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۵: ۲۶۵)؛ پس چگونه است که علی‌محمد شیرازی خلاف سیره پیامبران الهی گام برداشته، از نردبان ادعا بالا می‌رود؟

بر این اساس، این ادعاهای پی‌در پی علی‌محمد شیرازی، در جریان‌های حروفیه و نقطویه ریشه دارد:

### أ) حروفیه

فضل الله نعیمی استرآبادی، از جمله مدعیانی است که جایگاه‌های گوناگونی را برای خود برشمرده است. «ذکاوتی» در گزارش جریان حروفیه می‌نویسد:



دعوت فضل الله بر این پایه بود که او همچون آدم و عیسی علیهما السلام و محمد صلی الله علیه و آله خلیفه خداست و تمام آرمان‌های صوفیانه و شیعیانه درباره نجات عالم به‌وسیله خون، در او جمع است و درعین حال، مهدی و ختم الاولیا و پیغمبر و خداست (الشیبی، ۱۳۸۰: ۱۷۱).

### ب) نقطویه

ذکاوتی درباره تتابع ادعاهای محمود پسیخانی می‌نویسد: «شاگرد فضل الله حروفی مردی دانشمند و از دین‌آوران و مدعیان مهدویت یا نبوت به معنای خاص بوده است» (ذکاوتی، ۱۳۹۳: ۱۷۵).

### بشارت ظهور من یظهره الله

علی محمد شیرازی پیش از مرگش، وعده ظهور شخصی را با عنوان «من یظهره الله» داده بود: اهل این جنت در این جنت متلذذ هستند؛ الی اول ظهور من یظهره الله. قسم به ذات الاهی که از برای ایشان، در حین ظهور ایشان هیچ جنتی اعظم‌تر از ایمان به او و طاعت او نیست ... وصیت می‌کنم کل اهل بیان را ... اگر شنیدید ظهوری ظاهر شده به آیات قبل از عدد اسم الله الاغیث (۱۵۱۱) که کل داخل شوید و اگر نشده به عدد اسم الله المستغاث (۲۰۰۱)؛ (شیرازی، بی تا: ۶۱).

این‌گونه بشارت دادن و موعودگرایی‌ها، در نقطویه پیشینه دارد. نقطویان خیلی پیش از آن که شاه عباس بر تخت بنشیند، بشارت ظهور موعود نقطوی را می‌دادند<sup>۱</sup> و حتی شاه‌طهماسب را مهدی می‌خواندند و چنین می‌سرودند:

در نهصد و هشتاد و نه از حکم قضا      از پرده برون خرامد آن شیر خدا  
(ذکاوتی، ۱۳۹۳: ۵۴).

۱. در هر زمان کسانی مدعی تطبیق عصر خود با عصر ظهور بوده‌اند که از جمله می‌توان به تطبیق‌هایی اشاره کرد که صفویه را از زمینه‌سازان ظهور شمرده است؛ از جمله می‌توان به تحلیل‌های علامه مجلسی در این زمینه اشاره کرد که در ذیل روایاتی در این باره می‌نویسد: «لا یبعد أن یكون إشارة إلى الدولة الصفویة شیدها الله تعالی و وصلها بدولة القائم عجل الله فرجه» (نک: علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۲۴۳).

## ۲. ادعاهای نسخ اسلام و کتاب آوری

ادعاهای نسخ اسلام و کتاب آوری سران بابیت را می‌توان در جریان‌های حروفیه و نقطویه ملاحظه کرد.

### ادعاهای نسخ اسلام

سران بابیت در مناسبت‌های گوناگونی از نسخ اسلام و ظهور دیانت جدید سخن گفته‌اند که در این نوشتار به ادعای آن‌ها مبنی بر نسخ شریعت اسلام در فتنه بدشت می‌پردازیم:

ا. شوقی افندی نسخ اسلام را یکی از اهداف اصلی فتنه بدشت می‌داند:

هدف اصلی و اساسی این اجتماع عظیم (بدشت) آن بود که اولاً به وسایل مقتضی استقلال امر بیان و انفصال شریعت رحمان از رسوم و آداب و سنن و شرایع قبلیّه به نحو مؤثر و نافذ اعلام گردد (افندی، ۱۹۹۲: ۹۳).

وی در جای دیگر می‌نویسد:

یک روز هنگامی که هیکل مبارک به علّت نقاهت ملازم بستر بودند، جناب طاهره که در نظر بابیان مظهر عفت و عصمت و در تقوا و طهارت رجعت حضرت فاطمه علیها السلام محسوب می‌گردید، ناگهان بی‌ستر و حجاب در محضر مبارک در مقابل اصحاب ظاهر شد و در جانب راست جناب قدّوس که آثار خشم و غضب از رخسار ایشان هویدا بود جالس گردید و با کلمات آتشین حلول دور جدید را اعلام و نسخ سنن و شعائر قدیمه را علی‌رؤوس الاشهاد ابلاغ نمود (همان: ۹۴ - ۹۵).

ب. آیتی نیز در گزارش از گردهمایی بدشت می‌نویسد:

در موضوع احکام فروعیه سخن رفت. بعضی را عقیده این بود که هر ظهور لاحق اعظم از سابق است و هر خلفی اکبر از سلف و بر این قیاس نقطه اولی اعظم است از انبیای سلف و مختار است در تغییر احکام فروعیه ... قرّة العین از قسم اول بود؛ اصرار داشت که باید به عموم اخطار شود و همه بفهمند که قائم دارای مقام شاریت است و حتی شروع شود به بعضی تصرفات و تغییرات، از قبیل افطار صوم رمضان و امثال‌ها (آیتی، بی‌تا: ۱۲۹).

ج. اشراق خاوری نیز در گزارش شیوه نسخ اسلام در بدشت می‌نویسد: «در ایام اجتماع یاران در بدشت هر روز یکی از تقالید قدیمه الغا می‌شد» (اشراق خاوری، ۱۹۹۱: ۲۶۲). وی همچنین آورده است:

جناب طاهره حاضرین را مخاطب ساخته، فرمودند: خوب فرصتی دارید، غنیمت بدانید، جشن بگیرید امروز روز عید و جشن عمومی است؛ روزی است که قیود تقالید سابقه شکسته شده، همه برخیزید، با هم مصافحه کنید. باری آن روز تاریخی تغییر عجیبی در رویه و عقاید حاضرین داد. روز پرهیجانی بود. در عبادات طریقه خاصی ایجاد شد و رویه و عقاید قدیمه متروک گشت (همان: ۲۶۴).

پس از اعلام قره‌العین، بسیاری از پیروان علی‌محمد شیرازی دست از او کشیدند. حضار از ملاحظه این منظره سخت دچار حیرت و دهشت گشتند و حضور وی را به نحو مذکور در جمع نفوسی که حتی مشاهده سایه اش را مردود و ناصواب می‌شمردند خلاف عفاف و معارض با اراده حضرت خفی‌الاطاف محسوب داشتند. خوف و غضب افنده را فرا گرفت و قدرت تکلم از جمیع سلب شد؛ به حدی که عبدالخالق اصفهانی از کثرت هیجان و اضطراب با دست خویش گلوی خود را چاک داد و درحالی که آغشته به خون بود، دیوانه‌وار خود را از آن صحنه مهیب دور ساخت. برخی دیگر از اصحاب نیز مجلس را ترک گفته و دست از امر الهی کشیدند و رفض آداب و سنن سالفه را نپسندیدند (افندی، ۱۹۹۲: ۹۵ و آیتی، بی‌تا: ۱۳۰).

پس از فتنه بدشت و نسخ اسلام توسط قره‌العین نیز پیروان علی‌محمد شیرازی دست از اسلام برنداشتند، از این رو آیتی می‌نویسد:

قدوس فرمان داد که زودتر از شب‌های دیگر به اذان و مناجات و تلاوت قرآن پردازند؛ چه که عادت هر شبه ایشان بر آن بود که قبل از صبح کلاً برخاسته با صدای بلند به تلاوت قرآن و دعا می‌پرداختند و حتی گاهی صدای ایشان به گوش سپاهیان می‌رسید و یکی از منصفین ایشان گفته بود که انصافاً اگر کفر آن است که اهل قلعه دارند و اسلام این است که ما سپاهیان داریم، باید از اسلام بیزار و کفر را خریدار شد، زیرا از قلعه هر شب صدای دعا و نماز و قرآن به گوش



می‌رسد (آیتی، بی‌تا: ۱۶۳). در جای دیگری می‌نویسد: بعد از ظهور قائم و چون اصحاب نقطه اولی معتقد به مهدویت آن حضرت بودند، لهذا نماز جمعه را به رسم و جوب می‌خواندند (همان: ۱۹۵). این گزارش آیتی به این معناست که خود بایان نیز نسخ اسلام اتفاق افتاده در فتنه بدشت را قبول نداشتند.

شایان توجه است که علی‌محمد شیرازی که از نگاه قره‌العین مقام شاریت دارد، از فاجعه نسخ اسلام در بدشت آگاه نبوده است؛ بلکه پس از نسخ اسلام است که مهر تأیید بر آن می‌زند:

حضرت باب بنفسه المقدّس هنگامی که هنوز در مخالف اعدا اسیر و مبتلا بودند، در حضور ولیعهد زمان و جمعی از علمای اعلام و رؤسای شیخیه در عاصمه آذربایجان دعوی خویش را اعلان و با اظهار مقام قائمیت و اثبات استقلال و اصالت امر مبارک قیام پیروان خود را در احتفال بدشت تأیید و نظرات و معتقدات آنان را نسبت به شریعه الاهیة تقویت و تصویب فرمودند. باری در اثر این اجتماع نفخه صور دمیده شد و طلوع دور بدیع افول شرع قدیم را اعلام نمود و تحوّل چینی عظیم و متین که در تاریخ ادیان عالم بی‌مثل و قرین است، خالی از هرگونه رسوم و تشریفات و فارغ از طنطنه و دبدبه ظاهره صورت گرفت. این انفصال که امر الاهی را از ظلمات حالکه<sup>۱</sup> تعصبات و اوهام و نفوذ شدید رؤسا و پیشوایان قوم مستخلص نمود، به درجه‌ای سریع و کامل و قاطع و نافذ تحقق پذیرفت که ابدأ تصوّر آن نمی‌رفت و به هیچ وجه با سکون و طمأنینه‌ای که شریعة الله با آن آغاز شده بود، مشابهت نداشت (افندی، ۱۹۹۲: ۹۷).

آری، نخست پیروان بابیت تصمیم گرفتند و اعلام استقلال امر کردند؛ بعد علی‌محمد شیرازی را مطلع کرده و به تصویب و تأیید او رساندند. آیتی در این باره می‌نویسد: «در خاتمه قرار شد که قضیه را به ماکو بنویسند و حکم فاصل از خود باب بطلبند و چنین کردند» (آیتی، بی‌تا: ۱۳۰ - ۱۳۱).

۱. بسیار سیاه، بسیار تیره.

این گونه از نسخ اسلام را می‌توان در جریان نقطویه نیز یافت. ذکاوتی در گزارش باورهای پسیخانیه می‌نویسد:

محمود پسیخانی می‌گفت: دین اسلام برافتاد و دور عرب به پایان رسید و از این پس دین، دینی است که او آورده و دور، دور عجم است و این دور هشت هزار سال خواهد بود و در آن هشت مبیّن خواهند آمد که نخستین ایشان خود اوست (مشکور، ۱۳۷۵: ۱۱۷). مشکور نیز از محمود پسیخانی گزارش می‌کند که می‌گفت:

دین اسلام برافتاد و دور عرب به پایان رسید (همان). وی همچنین می‌گفت: «دین محمد ﷺ منسوخ شد و اکنون دین، دین محمود است؛ چنان که گفته‌اند: رسیدن نوبت زندان عاقبت محمود گذشت آن که عرب طعنه بر عجم می‌زد (همان: ۱۱۸).

علی محمد شیرازی پس از معرفی آیین خود، از کتابی به نام «بیان» پرده برداشت که از جهات گوناگونی با آثار حروفیان و نقطویان شباهت‌های بسیاری دارد. این نوشتار به نمونه‌هایی از این شباهت‌ها اشاره می‌شود:

#### تشابه در کتاب‌آوری

علی محمد شیرازی با تألیف کتاب «بیان» و پس از او، حسین علی نوری با تدوین کتاب «اقدس»، از کتاب‌های آسمانی خود رونمایی کردند! پیشینه کتاب‌آوری این دو مدعی را از چند جهت می‌توان بررسی کرد:

#### مکان تدوین

علی محمد شیرازی «بیان» را در زندان نوشت و مدعی آسمانی بودن آن شد. حسین علی نوری نیز با الگوگیری از علی محمد شیرازی، ادعا می‌کند که «اقدس» در زندان بر او نازل شده است. فضل‌الله استرآبادی نیز کتاب اساسی یا آسمانی خود «جاویدان نامه کبیر» (رفیعی، ۱۳۷۶: ج ۶ ۲۴۳) را در سال ۷۹۶ هجری در زندان شروان نوشت (مشکور، ۱۳۷۵: ۱۵۳).

## توجیه نواقص

علی محمد شیرازی درباره غلط‌های ادبی و اعرابی کتاب خود می‌نویسد: «صرف و نحو گناهی کرده و تا کنون در بند می‌بود؛ ولی چون می‌خواستیم، خدا گناهشان را بخشیده و آزادش گردانید» (افراسیابی، ۱۳۸۸: ۱۵). وی در جای دیگر غلط‌های ادبی کتاب خود را گردن علما انداخته و می‌گوید: علما، قواعد صرف و نحو را از کتاب خدا می‌گیرند، نه کتاب خدا از آنان: «و ان ما تشاهدون غیر قواعد النحویین و الصرفیین، هولاء یستنبئون علمهم من کتاب الله و ما یتلی الکتاب من عند الله لایستنبثن من علمهم» (شیرازی، بی‌تا: ک).<sup>۱</sup> او در جای دیگری غلط‌های آثارش را اثبات درس نخوانده بودنش می‌داند:

این‌که در بعضی مقامات تبدیل کلمات و در بعضی به خلاف قواعد جاری گشته، لأجل این است که مردم یقین نمایند که صاحب این مقام بر سبیل تحصیل اخذ آیات و علوم نکرده؛ بلکه به نور الله صدر منشرح به علوم الاهیة شده و حکم تبدیل را بشأن بدیع و خلاف قواعد را به قاعده الاهیة راجع نمایند (مازندرانی، ۱۹۸۵، ج ۲: ۱۰۲ - ۱۰۳).

حسین علی نوری درباره غلط‌های ادبی آثار علی محمد شیرازی، خطاب به محمد کریم خان می‌نویسد:

تو و امثال تو گفته‌اند که کلمات باب اعظم و ذکر اتم غلط است و مخالف است به قواعد قوم؛ هنوز آن قدر ادراک ننموده که کلمات منزله الاهیة میزان کل است و دون او میزان او نمی‌شود و هر یک از قواعدی که مخالف آیات الاهیة است از درجه اعتبار ساقط (همان: ۱۰۸ - ۱۰۹).

ملاحسین بشرویه نیز درباره غلط‌های آشکار علی محمد شیرازی می‌گوید:

صرف و نحو در کند و زنجیر قواعد جای گرفتند و مجازات شدند. باب هم که چنین دید به شفاعت و رحمت این بندگان را آزاد کرد و کند و زنجیر قواعد و اعراب را از پای آنان برداشت و اکنون باکی بر کسی نیست که مرفوع را منصوب و منصوب را مجرور بخواند (زعیم الدوله: ۱۳۴۰ و ۱۳۷؛ افراسیابی، ۱۳۸۸: ۱۴۶).

۱. شماره صفحه در این کتاب ابتدا با حروف الفبای فارسی شروع شده است.

پیشینه این گفتار و نوشتار علی محمد را می‌توان در حروفیه جست و جو کرد. محمود پسیخانی درباره اشتباه‌های نوشتاری خود می‌نویسد: «حتی غلط‌های املائی این علم (کتاب میزان) را نباید دست زد و باید به حال خود گذاشت» (ذکاوته، ۱۳۹۳: ۵۸).

### ادعای جامعیت

علی محمد شیرازی کتاب خود را کامل و بی‌نیاز کننده از علوم دیگر می‌داند. از این‌رو، نابودی آثار دیگران را دستور می‌دهد: «فی حکم محو کل الکتب کلها الا ما انشئت او تنشئ فی ذلک الامر» (شیرازی، بی‌تا: واحد ۶، باب ۶). این ادعا نیز از نوشتار محمود پسیخانی بهره برده است. ذکاوته در گزارش خود آورده است که محمود پسیخانی درباره کتاب میزان می‌نویسد: «دیگر این که این علم از دیگر مطالب کفایت می‌کند» (ذکاوته، ۱۳۹۳: ۵۸).

### تجانس ادبیات آثار مدعیان

ادبیات نوشتاری علی محمد شیرازی همسان آثار مکتوب محمود پسیخانی است که به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

### موزون نویسی

علی محمد شیرازی با جملاتی موزون در کتاب پنج‌شأن می‌نویسد:  
 اللهم انزل علیه فضالا فضیلا فی العالمین؛ اللهم انزل علیه عدالا عدیلا فی  
 العالمین؛ اللهم انزل علینا انتصارا منتصرا؛ اللهم انزل علینا افتتاحا مفتتحا؛ اللهم  
 انزل علینا اقتدارا مقتدرا ... (شیرازی، بی‌تا: ۱۱۱ - ۱۱۲).

همچنین آورده است:

الحمد لله الذی قد اطرز ذاتیات الحمدیات باطرز طرز طراز طرازیته و اشرق  
 کینونیات الذاتیات باشراق شوراق شرق شراقیته و الاح ذاتیات الساذجیات بطوالح  
 بدایع رفایع منایع مجد قدس مناعیته و ... (همان: ۱۸۷ - ۱۸۸).

پیشینه این ادبیات نوشتاری را می‌توان در کتاب «میزان» محمود پسیخانی یافت. وی در

این کتاب می‌نویسد:

الحمد لله الذي اظهر نفسه صغياً و فياً كوكباً طينياً إلهياً اديماً نبوياً أولياً. ثم اوضح نفسه في نفسه من نفسه صوفياً عربياً فرقانياً للهياً ماءياً واسطياً امياً قمرياً. ثم وجد نفسه لنفسه صورياً اعجمياً عامياً كتابياً شمسياً ترابياً أخرباً (اسفندیاری، ۱۳۶۲، ج ۲: ۲۳۳ - ۲۳۴).

بر اساس شواهد موجود و تشابه نوع ادبیات، این احتمال، قوی می‌نماید که علی محمد شیرازی ادبیات نوشتاری خود را از محمود پسیخانی الگو گرفته باشد.

#### اختلاط فارسی و عربی

علی محمد شیرازی در متون فارسی، واژگان عربی به کار می‌برد و متقابلاً آثار عربی خود را به کلمات فارسی آغشته می‌سازد. وی در بیان فارسی از الفاظ و جملات عربی غیرمعمول (در ادبیات فارسی) استفاده می‌کند:

ملخص این باب آن که خداوند عالم، کل شیء را خلق فرموده، لمن یدل علیها و او است مرآت حقیقت که لم یزل و لایزال مدل علی الله بوده و هست کل شیء به او خلق شده و می‌شود او است قائم به نفس خود بالله و کل شیء قائم به او است و ما یشیء من شیء الا به و لذا انه احق من کل شیء و ما سواى او ملک او هستند به تمیلک ذات اقدس کل شیء را و او است احق از کل شیء بکل شیء از نفس کل شیء .... (شیرازی، بی‌تا: ۷۴ - ۷۵).

وی در بیان عربی نیز گاه فارسی می‌نویسد: «در هر زمان، خداوند جل و عز کتاب و حجتی از برای خلق مقدر فرموده و می‌فرماید و در سنه ۱۲۷۰ از بعثت محمد رسول الله، کتاب را بیان و حجت را ذات حروف سبع قرار داده» (همان: ۳)؛ و گاه از برخی واژگان فارسی بهره می‌گیرد که حروفش نیز با ادبیات عربی بیگانه است؛ برای نمونه می‌نویسد: «انتم اذا استطعتم کل آثار النقطة تملکون و لو کان چاپاً فان الرزق ینزل علی من یملکه مثل الغیث ...» (همان: ۴۲ - ۴۳). او در جایی دیگر چنین آورده است: «و لتعلمن خط الشکسته فان ذلک ما یحیه الله و جعله باب نفسه للخطوط لعلکم تکتبون» (همان: ۲۶).

بهائیان در پاسخ اشکالاتی که در این باره بر آنان وارد می‌شود، توجیهاتی می‌کنند که

پرداختن به تفصیل آن نوشتار دیگری می‌طلبد.

ریشه این‌گونه نگارش را می‌توان در آثار فضل‌الله حروفی استرآبادی یافت که ادعای مهدویت خود را با نوشته‌ای عربی آغاز می‌کند و به جمله‌ای فارسی به پایان می‌برد: «بسم الله الرحمن الرحیم، انی رأیت احد عشر وجوداً و نفساً شریفاً و من دوازدهم ایشان» (الشیبی، ۱۳۸۰: ۲۲۴).

### ۳. ادعاهای الوهیت

علی محمد شیرازی از جمله مدعیانی است که علاوه بر ادعای مهدویت و نبوت، مدعی الوهیت شده است؛ لیکن بهائیان در پاسخ اشکال‌هایی که درباره این ادعا بر آنان وارد می‌شود، این ادعا را تأویل می‌کنند؛ در حالی که خود از کاربست تأویل نهی کرده‌اند (نوری، بی‌تا: ۱۰۲).

در این نوشتار سابقه ادعاهای الوهیت او در جریان‌های حروفیه و نقطویه را بررسی می‌کنیم:

#### ریشه ادعا

علی محمد شیرازی در پی ریاضت کشیدن‌های خود (اشراق خاوری، ۱۹۹۱: ۶۲ - ۶۴ و آیتی، بی‌تا، ج ۱: ۳۴) ادعاهای بابت تا الوهیت را مطرح کرد. این کار او برگرفته از باور فضل‌الله نعیمی است. او در این باره می‌گوید: «آدمی در نتیجه ریاضت و کمال می‌تواند به درجه الوهیت برسد» (مشکور، ۱۳۷۵: ۱۵۳).

فضل‌الله حروفی پس از بازگشت از مکه دوباره به خوارزم رفت و مدتی نامعلوم در آن‌جا ماند. در این هنگام بود که پس از اهتمام جدی به عبادت و ریاضت، رؤیاهای مهمی دید که در آن‌ها درباره مأموریت آینده، بزرگی شأن خود و اهمیت کاری که بر عهده دارد، اشاراتی یافت (ذکاوتی، ۱۳۹۱، ج ۲۰: ۳۷۸ - ۳۷۹).

#### تصریح در ادعا

علی محمد شیرازی بی‌پرده ادعای ربوبیت و الوهیت کرده و خود را ذات الله می‌نامد: «شهد الله انه لا اله الا هو الملك ذو الملائکین و ان علی قبل نبیل ذات الله و کینونیه»

(شیرازی، بی تا: ۵). او درباره ظهور ربوبیتش می نویسد:

چون که ظهور سر ظهور الله نه ظهور به شأن نبوت و ولایت، بل به ظهور ربوبیت از این جهت بود که ظاهر شد به ظهور انی انا الله لا اله الا انا در حین ظهور اول کسی که به من بیعت کرد، محمد ﷺ بود، چنانچه نص حدیث است، بعد امیرالمؤمنین علیه السلام بود و بعد ائمه سلام الله علیهم (شیرازی، بی تا: تفسیر نقطه باء زیر بسم الله).

عباس افندی (دومین سرکرده بهائیت و معروف به عبدالبهاء) نیز در گزارشی از ادعاهای الوهیت قدوس و قره العین خبر می دهد که از سران جریان بابت بودند:

حضرت قدّوس روحی له الفداء یک کتاب در تفسیر صمد نازل فرمودند از عنوان کتاب تا نهایتش انی انا الله است و جناب طاهره انی انا الله را در بدشت تا عنان آسمان باعلی النداء بلند نمود (افندی، ۱۳۴۰، ج ۲: ۲۵۵).

با بررسی جریان های پیش از بابت روشن می شود که این ادعاها در انحرافات فکری جریان هایی همچون حروفیه و نقطویه ریشه دارد:

#### حروفیه

بر اساس برخی گزارش ها، حروفیان در اذان و اقامه به الوهیت و وحدانیت فضل الله نعیمی شهادت می دادند: «اشهد ان لا اله الا فضل الله» (ثبوت، ۱۳۸۸، ج ۱۳: ۸۶).

#### نقطویه

نقطویان در گزارش های خود آورده است که محمود پسیخانی نیز آشکارا از خدایی دم می زد: «لا اله الا انا» (ذکاوته، ۱۳۹۳: ۱۳۷). خیابوی نیز نوشته است: نعیمی در سروده های خود از الوهیت دم می زند:

پنبه غفلت ز گوشش، خواجه چو آرد برون بشنود از کاینات انی انا الله ما (خیابوی،

۱۳۷۹: ۱۹۶).

## نتیجه‌گیری

بر اساس پیشینه‌ای که از ادعاهای مهدویت، نسخ اسلام، کتاب‌آوری و الوهیت سران باییت بیان شد و ادعاهای مشابه، ادبیات متجانس و اقدامات همسانی که سیره آنان با آثار سران دو جریان حروفیه و نقطویه دارد، روشن می‌گردد که ادعاهای مهدویت، نسخ اسلام، کتاب‌آوری و الوهیت سران باییت نه تنها تازگی و بداعت ندارد، بلکه دارای سابقه و الگوسازی شده از آثار سران حروفیه و نقطویه، مانند فضل الله استرآبادی و محمود پسیخانی است که پیش از پیدایش باییت می‌زیستند. این تشابه در ادعاهای آن‌ها مصداق دارد، هم در ادبیات آن‌ها و نیز در فرایند ادعاهای آنان، مانند باییت و ربوبیت. آنچه در این مقوله بیش‌تر حائز اهمیت است، این که سران فرقه‌های انحرافی با کاوش و جست و جو در تاریخ حربه‌ها و ابزارهای تاریخی را برای به انحراف کشاندن جامعه اسلامی در اختیار گرفته، از این رهگذر به اهداف خود نائل می‌شوند و البته آگاهی جامعه اسلامی از این رویکرد و از این نحوه استفاده تاریخی، کید و مکر و حيله و فرقه‌ها و مکاتب انحرافی را روشن می‌سازد و مردم را از غلتیدن در دام این مارهای خوش خط و خال مصون می‌دارند.



## منابع

### قرآن کریم.

۱. آیتی، عبدالحسین (بی تا). *الکواکب الدریه فی مآثر البهائیه*، بی جا، بی نا.
۲. اسفندیاری، کیخسرو (۱۳۶۲). *دیستان مذاهب*، تهران، کتابخانه طهوری.
۳. اسلمنت، ج. ای. (۱۹۸۸م). *بهاء الله و عصر جدید*، ع. بشیر الهی، هـ رحیمی، ف. سلیمانی، برزیل، دار النشر البهائیه فی البرازیل.
۴. اشراق خاوری، عبد الحمید (۱۹۹۱م). *مطالع الانوار*، بی جا، مؤسسه مرآت.
۵. افراسیابی، بهرام (۱۳۸۸). *تاریخ جامع بهائیت*، تهران، نشر مهر فام.
۶. افندی، عباس (۱۳۴۰). *مکاتیب عبدالبهاء*، مصر، بی نا.
۷. افندی، شوقی (۱۹۹۲م). *قرن بدیع*، کانادا، مؤسسه معارف بهایی.
۷. آیتی، عبدالحسین (بی تا). *الکواکب الدریه فی مآثر البهائیه*، بی جا، بی نا.
۸. بلاغی، محمد جواد (۱۳۸۱). *نصایح الهدی و الدین الی من کان مسلماً و صار بایباً*، قم، دلیل ما.
۹. ثبوت، اکبر (۱۳۸۸). *دانشنامه جهان اسلام*، مدخل حروفیه، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
۱۰. حسینی طباطبائی، مصطفی (۱۳۸۶). *دانشنامه جهان اسلام*، مدخل باب، سید علی محمد شیرازی، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
۱۱. خیابوی، روشن (۱۳۷۹). *حروفیه (تحقیق در تاریخ و آراء و عقاید)*، تهران، نشر آتیه.
۱۲. ذکاوتی قراگزلو علی رضا (۱۳۹۳). *جنبش نقطویه*، قم، نشر ادیان.
۱۳. ذکاوتی قراگزلو، علی رضا و فاطمه لاجوردی (۱۳۹۱). *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، مدخل حروفیه، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۱۴. زعیم الدوله تبریزی، میرزا محمدمهدی خان (۱۳۴۰). *مفتاح باب الابواب*، مترجم: حسن فرید گلپایگانی، تهران کتابخانه شمس.
۱۵. رضازاده لنگرودی، رضا (۱۳۷۹). *دانشنامه جهان اسلام*، مدخل پسیخانیه، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
۱۶. رفیعی، علی (۱۳۷۶). *دایرة المعارف تشیع*، مدخل اهل حق، تهران، نشر سازمان دایرة المعارف تشیع.
۱۷. زرکلی، خیرالدین (۱۹۹۰م). *الاعلام*، بیروت، دارالعلم للملایین.
۱۸. شبیبی، کامل مصطفی (۱۳۸۰). *تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری*، مترجم: علی رضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۹. شیرازی، علی محمد (بی تا). *بیان فارسی*، بی جا، بی نا.

۲۰. \_\_\_\_\_ . بیان عربی، بی جا، بی نا.
۲۱. \_\_\_\_\_ . پنج شأن، بی جا، بی نا.
۲۲. \_\_\_\_\_ . دلائل السبعه، بی جا، بی نا.
۲۳. \_\_\_\_\_ . لوح هیکل الدین، به ضمیمه بیان عربی، بی جا، بی نا.
۲۴. \_\_\_\_\_ . تفسیر سوره حمد، تفسیر نقطه باء زیر بسم الله، بی جا، بی نا.
۲۵. فیضی، محمد علی (۱۹۸۷م). حضرت نقطه اولی، آلمان، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی.
۲۶. مازندرانی، فاضل (۱۹۸۵م). امر و خلق، آلمان غربی، لجنه نشر آثار امری به زبان فارسی و عربی.
۲۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۸. مشکور، محمدجواد (۱۳۷۵). فرهنگ فرق اسلامی، مشهد، آستان قدس رضوی.
۲۹. میرزا جانی کاشانی (۱۳۲۸). نقطه الکاف، ادوارد برون، مطبعه بریل، لیدن از بلاد هلاند.
۳۰. نوری، میرزا حسین علی (بی تا). اقدس، بی جا، بیت العدل.